

اسکی فوتبال روی روان جامعه

فوتبال قرار بوده به جامعه، هیجان و نشاط تزریق کند و تفریحی فراگیر و ارزان برای همه باشد، اما آن چه امروز از این ورزش می بینیم چیزی جز حاشیه های فرسایشی نیست و دربی اخیر، نمونه خوبی از معکوس شدن کارکردهای این ورزش است



سید مصطفی صابری | روزنامه نگار

پرونده

در همه جای دنیا مسابقه بین تیم های قوی و پر سابقه که همیشه در کورس قهرمانی هستند، حساسیت زیادی دارد؛ به خصوص اگر آن دو تیم هواداران بیشتری داشته و همشهری هم باشند. این حساسیت از مستطیل سبز به هواداران منتقل و باعث ایجاد هیجان در آن ها می شود. تا حدودی چیزی شبیه حسی که حین استفاده از وسایل شهر بازی داریم. درست مثل یک ترن هوایی پر سرعت که سوارش می شویم تا سریع از پیچ و خم ها عبور کند و حین این تجربه جذاب، از اتفاقات روزمره دور شویم، اما هیجان تنها کارکرد فوتبال نیست. از آن جایی که فوتبال ورزش فراگیر، ارزان و در دسترسی است بین افشارزادی محبوب است و با

چرا این فوتبال را نمی توان دوست داشت؟

مدت ها بود که بعد از هر دربی کلی بیانیه، شکایت و بحث را تجربه می کردیم و تصورمان این بود که با ورود کمک داور ویدئویی به فوتبال مان این بحث ها خاتمه پیدا می کند، اما شاهد بودیم در یک بازی کاملاً بی کیفیت که بارفنی بسیار پایینی داشت، داوری بازی هم یکی از پرانتقادترین نمایش ها را سپری کرد و هر دو تیم چنان شاکی شدند که کم سابقه بود، نظر کارشناسان داوری هم گویای این بود که اشتباهات داوری زیاد بوده تا آرزو کنیم کاش وی آری در کار نبود تا لاقبل به اندازه قبل حرص بخوریم. در این شرایط با تمام شدن دربی پر حاشیه، بیانیه نویسی ها علیه داوری، کادر فنی و بازیکنان تیم حریف، قدراسیون و... شروع شد، اما برای خیلی از فوتبال دوستان که به خاطر دارند در دهه های قبل بازیکنان چطور در زمین بی تعارف بازی می کردند و خارج از میدان رقیق بودند، چیزی که شاهدش بودیم شباهتی به یک مسابقه که هدفش سرگرمی است، نداشت. انگار تمام عوامل یک مسابقه اعم از بازیکنان، کادر فنی و حتی داوری در یک کار تیمی خوب، جذابیت فوتبال را از برآوری از اشتباهات دفن کردند و بعد از آن روی این آوار بی بیانیه و شکایت شادی می کنند تا همان طور که در طول بازی تماشاگر بازی را زده کردند، بعد از آن هم روان مخاطب را رها نکنند. با این اوصاف حق نداریم به چند دلیل چنین فوتبال را دوست نداشته باشیم؟

۱) کیفیت فنی پایین

حاشیه ها شاید ذهن مخاطبان فوتبال را به خود جلب کند، اما لذت بخش نیست. فوتبال ما هم که یکسره حاشیه است. از اجرای قرار دادهای زیرمیزی تیم ها به خاطر سقف بودجه که مشخص است چند تیم رعایتش نکردند، تا مشکلات داوری از ابتدای فصل، خط و نشان تیم ها به هم و حتی درگیری های درون تیمی. اما هوادار از فوتبال نمایشی جذاب و چشم نواز می خواهد که در فوتبال فیزیکی و دفاعی ما تقریباً وجود ندارد یا در مواردی محدود رخ می دهد. تیم ها از اجرای یک تاکتیک ساده عاجزند، فقط در صدد تخریب بازی حریف هستند، بیشتر گل ها روی ضربات ایستگاهی، پرس و ضد حمله یا پنالتی زده می شود و خلاقیت بازیکنان فانتزی هم به شدت می سوزد.

۲) کانال های هواداری

رامرور کنید، انگار متن کانال هاویچ های هواداری را روخوانی می کنند، غافل از این که ادمین آن فضاها چند هوادار تیفوسی یا نوجوان هستند که یا خیلی احساساتی اند یا می خواهند با اغراق در هر چیزی مخاطب بیشتری جلب کنند و درآمد بهتری از تبلیغ و... داشته باشند. در این فضا وقتی ادبیات اهالی اصلی فوتبال به لمپنیسم و توهमत نزدیک می شود، نمی توان از هواداران انتظار بر خورد منطقی با فوتبال را داشت. در چنین فضایی همه چیز هیجان زده است و انگار همه در حال جنگ با مافیایی هستند که هیچ هدفی جز نابودی تیم خودی ندارد. این همه عصبیت، مج گیری و بحث و جدال در فضای مجازی ناشی از همین رفتار غلط بسیاری از فوتبالی ها است. یک صحنه ساده را از صدها زاویه بررسی می کنیم، در حالی که تیم های خوب فوتبال دنیا انرژی شان را روی این چیزها نمی گذارند. بازیکنی که مدام در اینستاگرام پست می گذارد و برای حریف خط و نشان می کشد، چه زمانی می تواند روی فوتبال تمرکز کند؟ البته نیازی هم نیست، چون ملاک محبوبیت بین بسیاری از هواداران، عملکرد فنی نیست و توهین به رقیب و هوادارانش بهترین کاریک بازیکن برای آن ها است.

۳) زیرساخت های ضعیف و... فوتبال ما قبلاً در همین اندازه هم حرفه ای



نبود و بریز و بپاش نداشت، اما هر سال چند پدیده به فوتبال معرفی می شدند. حضور بازیکنان جوان در تیم های لیگ برتری باعث می شد نوجوانان مشتاق ورزش شوند، مدارس فوتبال رونق بگیرد و اتفاق های جذاب دیگری بیفتد، اما الان فوتبال پایه درست و حسابی نداریم. حتی تیم های متمول که مخارج میلیاردی می کنند برای کمپ بدن سازی، استخدام روان شناس، توجه به آکادمی و فوتبال پایه و خیلی چیزهای دیگر یا پولی ندارند یا پول شان چنان در

آثار بد بیانیه نویسی روی جوانان

دکتر حسین ایمانی جاجر می درباره کارکردهای جامعه شناختی فوتبال و عاقبت این همه بیانیه و شکایت بعد از یک بازی می گوید

مجید حسین زاده | روزنامه نگار

هنوز داور سوت پایان بازی استقلال و پرسپولیس را زده بود که رقابت دیگری، این بار خارج از زمین فوتبال آغاز شد. انگار هر تیمی که از دیگری، کمتر شکایت کند و بیانیه کمتری بدهد، بازنده این مسابقه خواهد شد، کار بالا گرفت و با انتشار هر فیلم و عکس، یک شکایت رسمی هم از بازیکنان، مدیرعامل، اعضای باشگاه یا حتی کمیته داوران به ثبت می رسید. دکتر حسین ایمانی جاجر می، جامعه شناس و استاد دانشگاه درباره دلایل این اتفاق می گوید: «یک زمانی بوده که شما یک سری تشکل های سنتی داشتید، مثلاً در قدیم مسابقات کنششی چو خه از حساسیت بالایی برخوردار بوده است. آن جا هم داور داشته، حریف هم بوده، هوادارها و... اما آن ها به طور سنتی یاد گرفته بودند که اگر اختلافی پیش آمد، ریش سفیدها یا بزرگ ترها، حرف آخر را بزنند و غائله تمام شود. به عبارت دیگر، سازوکاری به طور سنتی ایجاد کرده بودند تا نزاع، حل و فصل شود. اما فوتبال هم اکنون یک سازمان مدرن محسوب می شود که مدیریت حواشی آن هم نیاز به یک سری پیش نیازها دارد که باید برای شان قواعد و دستورالعمل مشخص وضع شود».

وقتی آدم های حرفه ای در باشگاه ها نیستند

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران می افزاید: «در ماجرای بیانیه ها و شکایت های متعددی که بعد از دربی اتفاق افتاد و کام بعضی از فوتبال دوستان را هم تلخ کرد چون معتقدند فوتبال از کارکرد خودش برای لذت بردن خارج شد، قبل از هر چیز باید به ضرورت حرفه ای شدن باشگاه ها اشاره کرد. تازمانی که این اتفاق نیفتد، شما آدم های حرفه ای هم در بخش های مختلف این دو باشگاه به کار نخواهید گرفت. آدم حرفه ای می فهمد و به قواعد تن می دهد. همچنین قواعد را رعایت می کند و البته می داند سازو کارهایی وجود دارد که بر اجرا شدن قواعد نظارت می کند. شما در این چند روز اتفاقات عجیب و غریبی را دیدید. به افراد مختلفی تهمت زده شده، توهین شد و... بعضی افراد هم انگار خودشان را دارای قدرت کامل می دانند و همه چیز را زیر سوال می برند. الغرض همه این ها نشان می دهد که چنین فردی، حرفه ای نیست و چون به طور کلی این دو باشگاه حرفه ای نیستند، چنین اتفاقاتی هم نباید دور از انتظار باشد».

فوتبال را باید در چارچوب سرگرمی دید

دکتر ایمانی درباره کارکردهای فوتبال در جامعه می گوید: «به طور کلی مسئله ورزش های مدرن مثل فوتبال قرار است در جامعه یک سری کارکردها داشته باشد. بخش مهمی از آن برمی گردد به نهاد و صنعت سرگرمی. در سبک زندگی امروزی، شما خسته می شوید، ساعت کاری مشخص دارید، افسرده می شوید، نیاز به بازیابی روحیه دارید و... بنابراین جامعه یک سری تمهیدات اندیشیده تا شما دوباره شارژ شوید و با انگیزه و روحیه بیشتر به سرکارتان برگردید. صنعت سرگرمی از سینما و تئاتر را در برمی گیرد تا ورزش. بنابراین باید این ها را در این چارچوب دید و چیز دیگری هم نیست. قرار است کارکرد ورزش حرفه ای به چنین چیزی ختم شود که فرد با تماشای آن، سرگرم شود. منتهی در کشور ما، تکلیف چنین مسائلی اصلاً مشخص نیست، بنابراین یک بازی تبدیل به شرایطی می شود که تا چند روز باید به حواشی و اخبار آن پرداخت. البته باشگاه های فوتبال در کشورهای دیگر در شهرسازی نقش دارند، با اقتصاد شهر مرتبط هستند، به توسعه شهری کمک کردند و... اما این چارچوب بیشتر به دسته بندی افراد ختم شده، بنابراین طبیعی است که هوادارها هم به چنین سمت و سویی بروند، چون هیچ چیز در جای خودش نیست و شما برای آن ریل تعریف نکردید».

این نوع هواداری هیچ کارکردی ندارد
«این که احساسات و منفعت های شخصی و کینه های قدیمی را وارد

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان رضوی

سه شنبه • ۲۸ آذر ۱۴۰۲
۵ جمادی الثانی ۱۴۴۵ • ۱۹ دسامبر ۲۰۲۳
شماره ۲۱۳۸۵

۲۶۰۴

در زندگی سلام امروز بخوانیم:

۲

۱۰ خوراک برای طول عمر بیشتر

ردپای خطای ذهن خوانی

در طلاق به خاطر قرمه سبزی!

۳

واکاوی روان شناسانه ماجرای دعوی یک زن و شوهر

بر سر قرمه سبزی خواهر شوهر که به درخواست جدایی شان

در دادگاه خانواده ختم شد

۳

افزایش شادی و کارآمدی با ۳۰ دقیقه

حضور کمتر در شبکه های اجتماعی

۴

دفعه بعد در بی ببینیم یا شبکه آی فیلم؟

فرهنگ هواداری کنیم، چیزی عاید ما نخواهد کرد. این ها حامل هیچ رسالت اجتماعی نیست و هیچ کارکردی ندارد، او با این مقدمه ادامه می دهد: «مثلاً در دعوی بین هوادارهای بارسلونا و رئال مادرید مارشلهای تاریخی و فرهنگی را می بینیم. یکی مربوط به کاتالان هاست، یکی مادرید است، یکی دنبال جمهوری خواهی بوده و یکی سلطنت. بنابراین یک ریشه ای دارد، اما این سبک بیانیه نویسی و شکایت هایی که تیم های ایرانی در دام آن افتادند، هیچ ریشه ای ندارد. بیشتر کری خوانی و یک سری رفتارهای حقیرانه است و این واقعا جای نگرانی دارد و از لحاظ تربیتی و اخلاقی به خصوص روی نسل نوجوان آثار سوء خواهد داشت».

اخلاق هواداری را بلد باشیم

این استاد دانشگاه در پایان می گوید: «هوادارها نقش مهمی در این ماجرا و مدیریت آن دارند. اولاً باید به باشگاه مورد علاقه شان وفدراسیون فشار بیاورند که فوتبال و باشگاه شان حرفه ای بشود. قواعد و مقررات مثل همه کشور های جهان در باشگاه شان اجرایی شود، وگرنه این فوتبال عاقبتی نخواهد داشت. البته خودمان هم باید به عنوان هوادار، یک سری خط قرمزها داشته باشیم. ما از نظر سنتی، فرهنگ پهلوانی داریم. ما از این کشور های تازه وارد به دنیا نیستیم و دارای فرهنگ و تمدنی باستانی هستیم. ممکن است که ما باشگاه داری را بلد نباشیم و در آن حرفه ای نباشیم، اما اخلاق را که بلد هستیم، پهلوانی که بلد هستیم. بنابراین چه بازیکنان و چه هوادارها باید با همان منش پهلوانی یا یکدیگر رفتار کنند. به عبارت دیگر، توهین نکنیم، عادلانه نظر بدهیم، از تهمت زنی پرهیز کنیم، با گذشت باشیم، حتی اگر طرف مقابل اشتباه کرد. اما شلوغ کردن و افزایش هیجان و... عواقب سویی خواهد داشت که داریم نتیجه آن را می بینیم. مهم ترین آسیب آن، کشیده شدن خشونت از وسط زمین فوتبال به روی سکو ها و سپس در بین هوادارها در گوشه و کنار کشور است که مثلاً راحت زیر هر پستی در شبکه های اجتماعی، به یکدیگر توهین می کنند و حتی گاهی ناسزا می گویند.»

